

تحلیل گونه‌شناسی روایات تفسیری معصومین علیهم‌السلامسیده زینب وحدتی شبیری^۱

روایات تفسیری معصومین علیهم‌السلام از دو جهت حائز اهمیت‌اند: ۱- حجیت روایات تفسیری ۲- گونه‌های روایات تفسیری.

مراجعه به کتب تفسیری و ارزیابی روایات موجود در آنها نشان می‌دهد که این روایات، به لحاظ دارا بودن کارکردهای متفاوت، به گونه‌هایی قابل تقسیم‌اند. در مورد گونه‌های روایات تفسیری، تقسیمات گوناگونی از سوی اندیشمندان و پژوهشگران علوم قرآنی ارائه شده که از میان همه‌ی آنها تقسیم بندی موضوع این پژوهش به دلیل دسته بندی و پیشش منسجم و منظم، (تقسیم گونه‌های روایات به بخش‌ها و تقسیم هر بخش به دسته‌های زیر مجموعه) مورد تأیید و توجه برخی اساتید و پژوهشگران قرار گرفته^۲ و همین امر، سبب برتری و امتیاز آن، نسبت به انواع دیگر شده است.

در این تقسیم بندی، روایات تفسیری معصومین علیهم‌السلام از نظر رویکرد، در سه بخش نقلی، تفسیری و تأویلی بررسی، و هر بخش، حاوی زیر مجموعه و اقسام خاص خود است. مقاله حاضر، به توضیح مفصل هریک، با ذکر نمونه‌هایی برای درک بهتر و فهم عمیق‌تر آنها پرداخته است.

کلیدواژه‌ها: روایات تفسیری، تفسیر روایی، گونه‌شناسی روایات.

۱. کارشناس ارشد علوم قرآن و حدیث

۲. بررسی روایات تفسیری سوره آل عمران در مهمترین تفاسیر مآثور شیعه و اهل سنت، علی صفری، (پایان نامه کارشناسی ارشد، دفاع شده در دانشگاه تربیت مدرس، استاد راهنما: دکتر قاضی زاده)، ۱۳۸۷.

مقدمه

قرآن کریم، کتاب زندگی، کتاب قانون، کتابی جامع، و پاسخگوی نیازهای بشر در تمامی اعصار و قرون است. توضیح و تفسیر این کتاب آسمانی، به معنای کشف رموز و پرده‌برداری از پوشیده‌ها و ابهامات آن، محدود به عصر نزول و دوره حیات پیامبر خدا ﷺ نبوده، و در دوران رهبری پیشوایان معصوم بعد از آن حضرت هم جریان پیدا کرده است.

امامان معصوم از اهل بیت پیامبر (علیهم السلام)، که از بیت وحی برخاسته و منصوب من عندالله‌اند، پس از رسول خدا ﷺ، برترین مفسران قرآن و آگاه‌ترین انسانها به معارف قرآنی و قرین قرآنند؛ مقارنه قرآن و عترت در حدیث شریف و متواتر ثقلین^۱ دلیل آشکاری بر این واقعیت است. در تعبیر پیامبر ﷺ عدم جدائی اهل بیت ﷺ از قرآن، و درکنار یکدیگر بودن آن دو تا قیام رستاخیز، بیانگر این است که هر یک از ثقلین، مبین و شارح دیگری است. از این رو گفتار و سنت اهل بیت پیامبر ﷺ هم، بسان سنت و قول خود ایشان، منبع موثقی برای تفسیر به حساب آمده است.

بنا بر این باید گفت: یکی از مهمترین روش‌های تفسیر قرآن، «تفسیر روایی» است که در آن با استفاده از احادیث ارزشمند و سخنان گهربار پیامبر خدا ﷺ و ائمه اطهار ﷺ به درک و فهم آیات قرآن پرداخته می‌شود. این احادیث ارزشمند و گران‌بها، به لحاظ دارا بودن کارکردهای متفاوت، به گونه‌هایی قابل تقسیم‌اند.^۲ دانشمندان و مفسران علوم قرآنی، تقسیم‌بندی‌های متفاوتی برای گونه‌های روایات تفسیری معصومین ﷺ ارائه کرده‌اند. مقاله حاضر، پس از ذکر آراء و نظرات گوناگون در این زمینه، به بیان بهترین و کارآمدترین آنها پرداخته است.

۱. پیامبر اکرم ﷺ در حدیث ثقلین فرموده است: «إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ مَا إِنْ تَمَسَّكْتُمْ بِهِمَا لَنْ تَضِلُّوا كِتَابَ اللَّهِ وَ عَثَرَتِي أَهْلَ بَيْتِي وَ إِنْهُمَا لَنْ يُفْتَرَقَا حَتَّىٰ يَرِدَا عَلَيَّ الْحَوْضَ»؛ من در میان شما دو چیز گران‌بها بر جای می‌گذارم؛ تا زمانی که به این دو تمسک بجوئید، گمراه نمی‌شوید؛ [آن دو چیز] کتاب خدا و عترت، اهل بیت، هستند، و این دو هرگز از هم جدا نخواهند شد تا آنکه در کنار حوض بر من وارد شوند.

۲. قابل ذکر است که این روایات از دو ناحیه قابل بررسی هستند: ۱- حجیت روایات ۲- گونه‌های روایات. بحث از حجیت به دلیل اصولی بودن و ارتباط آن با دانش رجال و درایه و استقلال از مباحث علوم قرآنی در جای خودش می‌بایست مورد مطالعه قرار گیرد.

نگاهی به انواع تقسیم بندی گونه‌های روایات تفسیری

روایاتی که به طور مستقیم با قرآن مرتبط اند، به دو دسته کلی تقسیم شده‌اند؛ دسته اول، روایاتی که به معرفی خود قرآن پرداخته و احیاناً قواعد فهم قرآن و علوم قرآنی را تبیین می‌کنند. دسته دوم، روایاتی که زمینه‌های فهم آیه را فراهم نموده و به آنها روایات تفسیری می‌گویند.

مراجعه به کتب تفسیری و ارزیابی روایات موجود در آنها نشان می‌دهد که این روایات، به لحاظ دارا بودن کارکردهای متفاوت، به گونه‌هایی قابل تقسیم‌اند. در مورد تقسیم بندی گونه‌های روایات تفسیری، نظرات مختلفی از سوی عالمان و دانشمندان علوم قرآنی مطرح شده که هرکدام دسته بندی خاصی را ارائه نموده‌اند و برخی از آنها عبارتند از:

الف: دسته بندی روایات تفسیری به: ۱- ترسیم فضای نزول ۲- ایضاح لفظی ۳- ایضاح مفهومی ۴- بیان مصداق ۵- بیان لایه‌های معنایی ۶- بیان حکمت و علت حکم ۷- استناد به قرآن ۸- بیان اختلاف قرائت ۹- پاسخگویی با قرآن ۱۰- تعلیم تفسیر («روایات تفسیری شیعه، گونه شناسی و حجیت»، فصلنامه علوم حدیث، شماره ۱).

ب: تقسیم بندی دیگری، به ترتیب زیر بیان شده است:

۱- تفسیر واژگانی ۲- بهره‌گیری از تمثیل ۳- بهره‌گیری از قواعد عربی ۴- بهره‌گیری از روش تفسیر قرآن به قرآن ۵- بهره‌گیری از ساختار چند معنایی قرآن (بطون) ۶- به کارگیری قاعده جرح و تطبیق ۷- بهره‌گیری از بیان مصادیق (تبیین مصداقی) («گونه شناسی روایات تفسیری»، مجله حسنا، شماره ۱)

ج: تقسیم بندی گونه‌های روایات تفسیری پیامبر ﷺ چنین نقل شده است:

۱- تبیین مجمل؛ ۲- تخصیص عام؛ ۳- تقييد اطلاق؛ ۴- توضیح مفاهیم شرعی؛ ۵- تفصیل احکام قرآن؛ ۶- بیان ناسخ و منسوخ (دانشنامه جهان اسلام، جلد ۱، ص ۵۰۱۰).

د: تقسیم بندی موضوع این پژوهش که به دلیل دسته بندی و چینش منسجم و منظم، (تقسیم گونه‌های روایات به بخش‌ها و تقسیم هر بخش به دسته‌های زیر مجموعه) مورد توجه اساتید و پژوهشگران قرار گرفته^۱ و همین امر، سبب برتری و امتیاز آن، نسبت به انواع دیگر شده است، انقسام روایات به دسته‌های ذیل الذکر است:

۱. بررسی روایات تفسیری سوره آل عمران در مهمترین تفاسیر مآثور شیعه و اهل سنت، علی صفری، (پایان نامه کارشناسی ارشد، دفاع شده در دانشگاه تربیت مدرس، استاد راهنما: دکتر قاضی زاده)، ۱۳۸۷.

- ۱ - روایات با رویکرد نقلی؛ یعنی روایاتی که ماهیت اصلی آن، نقل است (نقل از لغت، از تاریخ، از راویان شاهد بر نزول و...) اقسام این دسته از روایات، عبارتند از:
- ۱-۱ - روایات لغوی: روایات بیان معانی واژگان با استناد به فرهنگ لغت عرب.
- ۱-۲ - روایات فضای نزول: که این قسم خود دو گروه را زیر پوشش دارد: ۱-۲-۱ - روایات سبب نزول. ۱-۲-۲ - روایات بیان وقایع فضای نزول.
- ۱-۳ - روایات اخبار غیبی: این قسم نیز حاوی دو گروه است: ۱-۳-۱ - روایات اخبار گذشتگان. ۱-۳-۲ - روایات بیان کننده اخبار آینده.
- ۲ - روایات با رویکرد تفسیری و تحلیلی؛ یعنی روایاتی که علی الظاهر، نیاز به تامل و اجتهاد دارد و ذکر آنان از جانب معصوم علیه السلام بر اساس نوعی از علم خاص یا اجتهاد مصاب آنان است. این روایات عبارتند از:
- ۲-۱ - روایات تبیینی: دارای چهار گروه زیرمجموعه است: ۱-۲-۱-۱ - روایات تفسیر ظاهر. ۱-۲-۱-۲ - روایات مبین آیات مجمل. ۱-۲-۱-۳ - روایات مخصص آیات عام. ۱-۲-۱-۴ - روایات مقید آیات مطلق.
- ۲-۲ - روایات تمثیلی.
- ۳ - روایات با رویکرد تأویلی: یعنی روایاتی که بیانگر باطن آیات است و به صورت عادی و بر اساس تفسیر ظاهر، بدست نیامده است. این روایات، شامل روایات بیان مصداق، روایات جری و تطبیق، روایات تأویلی (بیان معنای باطنی) می‌شود.
- پس از ذکر تقسیمات مطرح در روایات تفسیری و تقسیم برگزیده، اینک می‌پردازیم به تحلیل روایات مربوط به سور موضوع پژوهش با هر سه رویکرد مذکور.

بخش اول: روایات تفسیری با رویکرد نقلی

گروهی از روایات تفسیری، رویکردی نقلی دارند یعنی مفسران در تفاسیر آیات قرآن، به نقل این روایات بسنده می‌کنند و جایی برای تحلیل و اظهار نظر آنان وجود ندارد. روایاتی که دارای این رویکرد می‌باشند، به سه دسته روایات لغوی، روایات فضای نزول و روایات اخبار غیبی تقسیم می‌شوند.

۱- روایات لغوی

اولین گام در جهت تفسیر آیات و کشف مراد و مقصود خداوند متعال در قرآن، آگاهی از لغات آن و شناخت واژه‌های دشوار این کتاب آسمانی است. به همین دلیل نخستین دانشی که در میان علوم قرآنی، باید به آن پرداخته شود علوم لفظی است.

سیوطی در الاتقان خود، در این باره می‌نویسد: «شناخت این فن برای مفسر، امری ضروری است. کسی که خواستار کشف معانی قرآن می‌باشد، به علم لغت نیازمند است» (الاتقان، ج ۲، ص ۴۷۷).

از آنجاکه نزول قرآن توسط خداوند متعال، برطبق فرهنگ و زبان انسان‌های عصر نزول بوده و از آن زمان تا کنون، معانی واژگان دچار تغییر و دگرگونی شده است، مفسرین برای تفسیر قرآن نیاز به منابعی دارند که با استفاده از آن‌ها معانی واژگان قرآنی را در عصر نزول بدست آورند. یکی از مهمترین و موثق ترین این منابع، روایات تفسیری معصومین علیهم‌السلام است.

روایاتی که به شرح و تفسیر واژگان قرآنی پرداخته‌اند دو دسته‌اند: گروهی از آنان به طور مستقیم معانی واژگان را تبیین می‌کنند و گروهی دیگر با استشهاد به کلام و شعر عرب الفاظ کتاب خدا را شرح می‌دهند. مفسران از صحابه و تابعین، گاه از این روش بهره جسته و به تفسیر الفاظ قرآنی می‌پرداختند.

نمونه‌هایی از روایات تفسیری معصومین علیهم‌السلام را که دارای رویکردی معنی شناسانه است، از نظر می‌گذرانیم:

۱-۱- در تفسیر آیه «فَأَثَرُنَ بِهِ نَقْعًا» (عادیات، ۴) نقل شده است: «حَدَّثَنَا أَبُو كَرِيبٍ، قَالَ: ثنا وَكَيْعٌ، عَنْ وَاصِلٍ، عَنْ عَطَاءٍ وَابْنِ زَيْدٍ، قَالَ: النَّقْعُ: الْغُبَارُ». در این روایت، واژه نقع به غبار معنا شده است (جامع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۳۰، ص ۱۷۸).

۱-۲- در درالمنثور، روایتی از قول ابن عباس نقل شده است که وی با استشهاد به شعری از حسان بن ثابت، واژه «نقع» در آیه «فَأَثَرُنَ بِهِ نَقْعًا» را به غبار معنا کرده است و نیز در ادامه با استشهاد به شعر دیگری، واژه کنود را به، کفور و ناسپاس، آن کس که تنها غذا می‌خورد و از عطا و بخشش به دیگران خودداری می‌کند و بنده‌ی زیر دستش را می‌زند، معنا کرده است. متن روایت چنین است:

«و أخرج الطستى عن ابن عباس ان نافع بن الأزرق قال له أخبرنى عن قوله عزوجل «فَأْتَيْنَ بِهِ نَقْعًا» قال النقع ما يسطع من حوافر الخيل قال و هل تعرف العرب ذلك قال نعم أما سمعت حسان ابن ثابت و هو يقول:

عدمنا خيلنا ان لم تروها تثير النقع موعدها كداء

قال فأخبرنى عن قوله «إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنُودٌ» قال «الكنود» الكفور للنعم و هو الذى يأكل وحده و يمنع رفته و يجيع عبده قال و هل تعرف العرب ذلك قال نعم أما سمعت الشاعر و هو يقول:

شكرت له يوم العكاظ نواله و لم أك للمعروف ثم كنودا» (الدر المنثور، ج ۶، ص ۳۸۴).

۲- روایات فضای نزول

بدون شک، قرآن کریم در طول ۲۳ سال رسالت پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به گونه‌ای نازل شده است که بسیاری از آیات آن، ارتباط تنگاتنگی با وقایع عصر نزول دارد و فهم صحیح آیات و کشف مقصود کلام خداوند متعال در چنین آیاتی، در گرو دانستن اسباب نزول آنهاست. اسباب نزول، عبارتست از اموری که در زمان رسالت پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ روی داده و یک یا چند آیه در پی آنها و بخاطر آنها نازل شده است. روایات تفسیری یکی از منابعی است که مفسران را از اسباب نزول آیات قرآن آگاه می‌سازد.

علاوه بر روایات تفسیری بیانگر اسباب نزول، برخی دیگر از روایات هستند که وقایع و حوادثی که در زمان نزول قرآن اتفاق افتاده است را بیان می‌کنند. گرچه این گروه از روایات، به اندازه روایات سبب نزول، در فهم آیه دخیل نیستند و ارتباط مستقیمی با کشف مقصود و مضمون آیات

۱. نافع بن ازرق از معنی این کلام خداوند تعالی پرسید: «فأئزن به نفعاً» ابن عباس گفت: «النقع ما يسطع من حوافر الخيل» (نقع آن چیزی است که از زیر سم اسبان ساطع می‌شود). چون ابن ازرق از او پرسید: آیا عرب با این مفهوم آشناست، در پاسخ گفت: آری، آیا نشنیده‌ای شعر حسان بن ثابت را: «عدمنا خيلنا ان لم تروها - تثير النقع موعدها كداء؛ یعنی: نابود باشند اسبانمان اگر آنها را نبینید که از زیر سم خود خاک به هوا بلند می‌کنند و بر زمینی که خشک است می‌تازند».

نافع از معنی این کلام خداوند تعالی پرسید: «لكنود». ابن عباس گفت: «كنود للنعم و هو الذى يأكل وحده و يمنع رفته» (ناسپاس نعمت‌ها، آن کس که به تنهایی می‌خورد و به دیگران نمی‌دهد). چون نافع از او پرسید: آیا عرب با چنین تفسیری آشناست شعر شاعر را گواه آورد: شکرته له يوم العكاظ نواله - و لم أك للمعروف ثم كنودا. یعنی: در روز عكاظ از عطای او سپاسگزاری کردم و کسی نبودم که نسبت به خیری که به او رسیده ناسپاس باشم.

قرآن ندارند، اما در موارد بسیاری با به تصویر کشیدن وقایع تاریخی عصر نزول قرآن، به فهم بهتر آیات کمک می‌کنند.

به عنوان مثال: در شأن نزول آیات «فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ وَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ» (زلزله، ۷ و ۸) ابن ابی حاتم از سعید بن جبیر روایت کرده است: زمانی که خداوند متعال، آیه «وَيُطْعِمُونَ الطَّعَامَ عَلَى حُبِّهِ مِسْكِينًا وَيَتِيمًا وَأَسِيرًا» (انسان، ۸) را نازل کرد، گروهی از مسلمانان فکر کردند هرگاه در راه خدا چیز کم و اندک ببخشند پاداش داده نمی‌شوند و عده‌ای دیگر می‌اندیشیدند به سبب ارتکاب گناهان کوچک، دروغ، چشم چرانی، غیبت و مانند اینها توبیخ و سرزنش نمی‌شوند و مدعی بودند خدا تنها به سبب گناهان کبیره آنها را به دوزخ می‌اندازد. پس آیات {فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ وَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ} نازل شد (تفسیر القرآن العظیم، ج ۸، ص ۴۴۴).^۱

۳- روایات بیان کننده اخبار غیبی

روایاتی که در این دسته قرار می‌گیرند دو گروه‌اند: برخی بیان کننده اخبار گذشتگان، و برخی، از اخبار مربوط به آیندگان سخن می‌گویند. چنانکه قبلاً نیز اشاره شد، به اعتقاد ما قرآن کریم کتابی است جامع و فراگیر که تأمین کننده همه نیازهای انسان‌ها بوده و در تمامی دوران‌ها تازگی، اعتبار و قابلیت اجراء دارد و براین اساس از گذشته و آینده و وقایع گوناگون آنها هم اخبار می‌کند. برای دست یافتن به شرح و تفسیر آن چه از اخبار گذشتگان و آیندگان به طور اجمال در قرآن آمده است، باید به روایات تفسیری معصومین علیهم‌السلام مراجعه کرد چرا که به استناد قرآن و روایات، پیامبر اکرم و ائمه اطهار (سلام الله علیهم اجمعین) به امور گذشته و آینده آگاهند. امام

۱. «قال ابن أبي حاتم: حدثنا أبو زرعة، حدثنا يحيى بن عبد الله بن بكير، حدثني ابن لهيعة، حدثني عطاء بن دينار عن سعيد بن جبیر في قول الله تعالى: «فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ وَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ» و ذلك لما نزلت هذه الآية «وَيُطْعِمُونَ الطَّعَامَ عَلَى حُبِّهِ مِسْكِينًا وَيَتِيمًا وَأَسِيرًا» (الإنسان: ۸) كان المسلمون يرون أنهم لا يؤجرون على الشيء القليل إذا أعطوه، فيجىء المسكين إلى أبوابهم، فيستقلون أن يعطوه التمرة والكسرة والجوزة ونحو ذلك فيردونه، و يقولون: ما هذا بشيء، إنما نؤجر على ما نعطى ونحن نحبه، و كان آخرون يرون أنهم لا يلامون على الذنب اليسير: الكذبة والنظرة والغيبة وأشباه ذلك. يقولون: إنما وعد الله النار على الكبائر فرغهم في القليل من الخير أن يعملوه، فإنه يوشك أن يكثر، و حذرهم اليسير من الشر فإنه يوشك أن يكثر، فنزلت فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ يعني وزن أصغر النمل خيراً يَرَهُ يعني في كتابه و يسره ذلك، قال: يكتب لكل بر و فاجر بكل سيئة سيئة واحدة، و بكل حسنة عشر حسنات، فإذا كان يوم القيامة ضاعف الله حسنات المؤمنين أيضا بكل واحد عشر و بمحو عنه بكل حسنة عشر سيئات فإذا زادت حسناته على سيئاته مثقال ذرة دخل الجنة».

صادق علیه السلام فرمود: «بخدا که من کتاب خدا را از آغاز تا پایانش می‌دانم، چنانکه گوئی در کف دست من است، در قرآن است خبر آسمان و زمین، و خبر گذشته و خیر آینده، خدای عزوجل می‌فرماید: «همه چیز در قرآن بیان شده است» (همان، جلد ۱، ص ۲۳۹).^۱

نتیجه آنکه دسته دیگر از روایات تفسیری معصومین علیهم السلام که دارای رویکردی نقلی می‌باشند، به شرح و تفسیر اخبار غیبی گذشتگان و آیندگان می‌پردازند. برای مثال:

در فرمایشی از امیرالمؤمنین علیه السلام در توصیف زلزله روز قیامت آمده است: «آن زمان که پرونده این جهان بسته شود و خواست الهی فرا رسد و آخر آفریدگان به آغاز آن بپیوندند و فرمان خدا در آفرینش دوباره در رسد، آنگاه آسمان را به حرکت درآورد و از هم بشکافد و زمین را به شدت بلرزاند و تکان سخت دهد که کوه‌ها از جا کنده شده و در برابر هیبت و جلال پروردگار بر یکدیگر کوبیده و متلاشی شده و با خاک یکسان گردد. سپس هرکس را که در زمین به خاک سپرده شده درآورد و پس از فرسودگی، تازه‌شان گرداند و پس از پراکنده شدن همه را گرد آورد سپس برای حسابرسی و روشن شدن اعمال از هم جدا سازد» (نهج البلاغه، خطبه ۱۰۹).

بخش دوم: روایات تفسیری با رویکرد تحلیلی

شیوه بیان قرآن به گونه‌ای است که در برخی آیات، بسندگی به خود را نفی می‌کند مثلاً در مواردی مانند جزئیات احکام، قصص، تفاسیل معاد و...، واضح است که قرآن نیاز به مبینی غیر از خودش دارد تا مردم را از جزئیات مسائل فقهی، تاریخی، اعتقادی و... آگاه سازد.

بر اساس احادیث رسیده از معصومین علیهم السلام، مسئولیت تبیین آیات قرآن، بر عهده پیامبر اکرم و خاندان پاک ایشان علیهم السلام است. بنابراین بهترین راه برای دستیابی به مفاهیم و مقاصد کلام خداوند متعال در کتاب مقدسش، مراجعه به روایات تفسیری معصومین علیهم السلام خواهد بود.

این روایات که پرده از مقصود کلام خداوند در قرآن برمی‌دارند دارای رویکردی تحلیلی می‌باشند. رویکرد تفسیری و تحلیلی بر خلاف نوع قبل است که روایات فقط جنبه نقلی داشتند و راه اجتهاد و اظهار نظر به روی مفسر بسته بود. در واقع در این رویکرد، مفسرین با استناد این روایات، با اجتهاد و تحلیل خود به شرح و تفسیر مفاهیم آیات قرآن می‌پردازند.

۱. «ابا عبدالله علیه السلام يقول: و الله ائني لأعلم كتاب الله من أوله إلى آخره كأنه في كفي فيه خبر السماء و خبر الأرض و خبر ما كان و خبر ما هو كائن قال الله عزوجل فيه تبیان كل شیء».

روایات تفسیری دارای رویکرد تحلیلی، به دو دسته روایات تبیینی و روایات تمثیلی تقسیم می‌شوند که ذیلاً به شرح هر کدام می‌پردازیم.

۱- روایات تبیینی

روایات تبیینی به توضیح و تفسیر مفاهیم موجود در آیه و مقصود و مضمون کلام خداوند پرداخته و به انواع: روایات تفسیر ظاهر، روایات مبین آیات مجمل، روایات مخصص آیات عام، و روایات مقید آیات مطلق تقسیم می‌شوند که ذیلاً به توضیح هر قسم می‌پردازیم:

۱-۱: روایات تفسیر ظاهر

این گونه روایات، به توضیح و تفسیر مفاهیم ظاهر آیات قرآن می‌پردازند. تفسیر ظاهر قرآن به معنای بیان معنای ظاهر، آشکار و متبادر به ذهن نیست بلکه تفسیر، تنها در حالت پیچیدگی و ناآشکاری کلام صدق خواهد کرد. به عبارت دیگر، تفسیر عبارت است از روشن گردانیدن ظهور معقد و مرکب در کلام، و مشخص کردن معنا بر اساس آن؛ زیرا، همان تعقید و ترکیب در کلام، درجه‌ای از ناآشکاری و پیچیدگی وارد می‌کند که در خور کشف و ابانه است، و در نتیجه، عنوان «تفسیر» بر آن صدق می‌کند. اما، در مواردی که ظهور کلام از نوع ظهور بسیط است، غالباً روشن کردن معنای کلام بر اساس آن، «تفسیر» شناخته نمی‌شود. زیرا معنای کلام به خودی خود «ظاهر» است و نیازی به «اظهار» ندارد. (علوم قرآنی، ص ۲۲۷)

در تفسیر آیه «يَوْمَئِذٍ تُحَدِّثُ أَخْبَارَهَا» (زلزله، ۴) پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: آیا می‌دانید منظور از اخبار زمین در اینجا چیست؟ گفتند: خدا و پیامبرش آگاه‌ترند. فرمود: منظور از خبر دادن زمین این است که اعمال هر مرد و زنی را که بر روی زمین انجام داده‌اند خبر می‌دهد، می‌گوید: فلان شخص در فلان روز فلان کار را انجام داد. این است خبر دادن زمین (نور الثقلین، ج ۵، ص ۶۴۹).^۱

۲-۱: روایات مبین آیات مجمل

مجمل، کلمه یا کلامی است که به خودی خود دارای دلالت روشن و آشکار نباشد و عموم مردم، معنای واضحی را از آن نفهمند. به عبارت دیگر، زمانی که معنای کلامی مبهم باشد و خواننده بین

۱. «فی مجمع البیان وجاء فی الحدیث ان النبی صلی الله علیه وآله قال : أتدرون ما اخبارها؟ قالوا: الله ورسوله اعلم، قال: اخبارها ان تشهد علی کل عبد وأمة بما عملوا علی ظهرها، تقول: عمل کذا وکذا یوم کذا وکذا فهذا اخبارها».

چند معنا مردد شود که کدامیک، مراد اصلی گوینده است، آن لفظ و یا کلام، مجمل است. در مقابل، مبیّن: لفظی است که دارای دلالت روشن، و معنای آن کاملاً واضح و مشخص است. لفظ مبیّن، یا به خودی خود دارای دلالت روشن است و یا بوسیله کلمه یا کلام دیگری که آن را مبیّن گویند از ابهام و اجمال خارج می‌شود.

یکی از ویژگی‌های قرآن، اجمال برخی آیات آن است. بیشترین آیات مجمل قرآن در موضوع احکام مانند: حج، نماز، روزه، زکات و... وارد شده است؛ زیرا کیفیت انجام دادن آنها به طور واضح و مشخص در قرآن نیامده است و نیاز به مبیّن دارد. البته آیات مجمل منحصر به احکام و آداب شرعی نمی‌شود و در موضوعات دیگر هم، مانند آیات اعتقادی و معرفتی، اجمال وجود دارد و نمی‌توان تنها با استفاده از قرآن به معنای آنها پی برد.

در برخی موارد، بیان آیات مجمل قرآن در آیات دیگر آن آمده است و گاهی هم روایات معصومین علیهم‌السلام به تبیین آیات مجمل قرآن پرداخته‌اند.

بعنوان نمونه: واژه «روح» در آیه «تَنْزَلُ الْمَلَائِكَةُ وَالرُّوحُ» در سوره مبارکه قدر تا حدودی مجمل است و بیان امام صادق علیه‌السلام در حدیث زیر، این لفظ را تبیین می‌کند:

یکی از اصحاب، از امام صادق علیه‌السلام سوال کرد: «آیا روح جبرئیل نیست؟» حضرت فرمودند: جبرئیل از فرشتگان است درحالی که روح، مخلوقی عظیم تر از فرشتگان است. مگر این طور نیست که خداوند عزوجل می‌فرماید: «تَنْزَلُ الْمَلَائِكَةُ وَالرُّوحُ» (البرهان، ج ۶، ص ۷۰۱).^۱

۳ - ۱: روایات مخصص آیات عام

عام لفظی است که بدون حصر، تمام افراد واجد صلاحیت را فرا می‌گیرد. از الفاظ دال بر عموم می‌توان، کلّ، الذی والتی (و تنبیه و جمع آنها)، ای، ما، و من (شرطیه، استفهامیه و موصول) را نام برد (الإتقان، ج ۱، ص ۶۳۱).

آیات عام قرآن را گاهی آیات دیگر آن تخصیص می‌زنند و گاهی هم روایات معصومین علیهم‌السلام مخصص آیات عام هستند.

۱. «سعد بن عبد الله: عن أحمد بن الحسين، عن المختار بن زياد البصري، عن محمد بن سليمان، عن أبيه، عن أبي بصير، قال: كنت مع أبي عبد الله عليه‌السلام، فذكر شيئاً من أمر الإمام إذا ولد، فقال: «استوجب زيادة الروح في ليلة القدر»، فقلت له: جعلت فداك، أليس الروح جبرئيل! فقال: جبرئيل من الملائكة، و الروح [خلق] أعظم من الملائكة، أليس الله عز و جل يقول: تَنْزَلُ الْمَلَائِكَةُ وَالرُّوحُ».

مثلاً در تفسیر آیه «إنما المشركون نجس فلا يقربوا المسجد الحرام» (توبه، ۲) روایتی از جابر بن عبدالله بدین مضمون نقل شده است:

«حدثنا... أبو الزبير أنه سمع جابر بن عبد الله يقول في قوله تعالى إنما المشركون نجس فلا يقربوا المسجد الحرام إلا أن يكون عبداً أو واحداً من أهل الذمة» (أحكام القرآن (الخصاص)، ج ۴، ص ۲۸۰).

در این روایت، عبد و اهل ذمه، از حرمت ورود به مسجد الحرام تخصیص خورده‌اند.

۴ - ۱: روایات مقید آیات مطلق

یکی از تقسیمات دیگر در روایات مفسر الفاظ قرآن کریم، تقسیم آنها به مطلق و مقید است. مطلق و مقید شبیه عام و خاص است، با این تفاوت که عموم و خصوص متوجه به افراد است و اطلاق و تقیید به احوال و صفات. عام و خاص در مورد اموری کلی که دارای افراد موجود متعدد بوده و بعضی از انواع و یا افراد آن عام به وسیله دلیل خاص از آن عموم خارج شده‌اند، مطرح می‌شود، ولی مطلق و مقید مربوط است به طبیعت و ماهیتی که متعلق تکلیف است و مکلف موظف است آن را ایجاد نماید. اگر آن طبیعت متعلق تکلیف، قیدی نداشته باشد مطلق است و اگر قیدی برای آن در نظر بگیریم مقید است. آیات مطلق قرآن کریم بعضاً توسط آیات دیگر تقیید می‌شوند و گاهی هم احادیث معصومین علیهم‌السلام آیات مطلق را مقید می‌کنند.

خداوند متعال در آیه ۶۰ سوره غافر می‌فرماید: «وقال ربُّكم ادعوني أستجب لكم» و پروردگار شما فرمود: بخوانید مرا تا اجابت کنم شما را. در این آیه شریفه، اجابت کردن دعا به صورت مطلق و بدون قید آمده است اما روایت منقوله از امام صادق علیه‌السلام آن را مقید می‌کند:

«عن أبي عبد الله عليه السلام قال له رجل جعلت فداك إن الله يقول: ادعوني أستجب لكم، و إننا ندعو فلا يستجاب لنا، قال لأنكم لا تتفون الله بعهدته و إن الله يقول: أوفوا بعهدى أوف بعهدكم. والله لو وفيتم لله لوفى الله لكم» (تفسیر قمی، ج ۱، ص ۴۶).

در این روایت، اطلاق موجود در آیه، که مربوط به مستجاب شدن دعا است، به قیدی مقید شده که وفاداری انسان نسبت به عهد و پیمانش با خداوند متعال، باشد.

۲- روایات تمثیلی

یکی از بهترین روش‌ها برای فهماندن مطالب به مردم، خصوصاً کسانی که سواد چندانی ندارند استفاده از مثال‌های محسوس و مناسب است. از آیات قرآن کریم پیداست که خداوند متعال هم، به این مسئله اهمیت فراوانی می‌دهد و کتاب آسمانی او سرشار از مثال‌های مختلف و ساده است که مردم با تفکر و دقت در آنها متذکر یاد خدا می‌شوند.

ائمه معصومین علیهم‌السلام نیز، در برخی موارد، برای آسان‌سازی و انتقال سریع مفاهیم قرآن به مخاطبین، از عنصر تمثیل و همانندسازی استفاده می‌کردند و این امر، در روایات تفسیری آن بزرگواران نمایان است.

در حدیثی از رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم می‌خوانیم که فرمود: مواظبت بر وضوء کنید و بهترین اعمال شما نماز است و مراقب زمین باشید که مادر شماس است و هیچ انسانی کار خیر و شری در آن انجام نمی‌دهد مگر این که زمین از آن خبر می‌دهد (مجمع البیان، پیشین، ص ۴۱۹).^۱ این حدیث، که با آیات ششم و هفتم سوره زلزله مرتبط است، زمین را به مادر آدمیان تشبیه می‌کند؛ یعنی همان‌طور که مادر، از تمامی کارهای خوب و بد فرزندش آگاه است، زمین هم از همه اعمال خیر و شر انسان‌ها باخبر است و در روز رستاخیز به تمامی آنها شهادت می‌دهد.

بخش سوم: روایات تفسیری با رویکرد تأویلی

از روایات فراوانی استفاده می‌شود که آیات کریمه قرآن علاوه بر معنای ظاهری که با فراگیری اصول و قواعد عربی، قابل فهم بوده و در موارد ابهام نیز قابل تفسیر است، از معانی، مقاصد و معارف عمیق دیگری نیز برخوردار است که همگان توانایی فهم آن را ندارند و علم آن، ویژه راسخان در علم است که با عالم غیب در ارتباط و از زبان وحی آگاهند و برای درک آن معارف عمیق باید به آن بزرگواران مراجعه کرد. این معارف عمیق و معانی باطنی قرآن را تأویلات قرآن می‌گویند. برخی از روایات تفسیری دارای رویکرد تأویلی می‌باشند یعنی به تفسیر و توضیح معانی باطنی قرآن می‌پردازند. این روایات به طور کلی به دو دسته روایات جزئی و تطبیق و روایات تأویلی (بمعنی الخاص) تقسیم می‌شوند. توضیح مختصر هر یک از اقسام مذکور را ذیلاً از نظر می‌گذرانیم:

۱. «وروی الواحدی باسناده مرفوعاً إلى ربیعة الحرشی قال: قال رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم: حافظوا علی الوضوء، وخیر أعمالکم الصلاة، وتحفظوا من الأرض، فإنها أمکم، ولیس فیها أحد یعمل خیراً وشرّاً، إلا وهی مخبرة».

۱- روایات جری و تطبیق

قرآن کریم برای هدایت همه جهانیان فرستاده شده است. و چنانکه قبلاً نیز اشاره شد این کتاب آسمانی، حاوی تمام معارف اخلاقی، اجتماعی، احکام عملی و پاسخگوی تمام نیازهای بشر در طول اعصار و قرون است؛ و برای هر عصری تازگی، طراوت و تأثیر خودش را حفظ می‌کند.

با توجه به ویژگی تازگی و جاودانگی قرآن؛ مفاهیم آیات در طول زمان، بر همه موارد مشابه قابل تطبیق است چراکه آیات قرآن محدود به عصر نزول نیست. انطباق الفاظ و آیات قرآن، بر مصادیقی غیر از آن چه ظاهراً آیات درباره آنها نازل شده است را جری و تطبیق می‌گویند.

روایات جری و تطبیق به دو دسته تقسیم می‌شوند:

الف) روایات بیان مصداق.

ب) روایات جری و تطبیق به وسیله توسعه مفهوم.

۱-۱: روایات بیان مصداق

روایات تفسیری فراوانی وجود دارند که به ذکر مصادیق آیاتی از قرآن که دارای مفاهیم عام و کلی می‌باشند می‌پردازند. برخی از روایات بیان مصداق، با نام بردن از افراد خاصی، مصادیق عینی آیه را مشخص می‌کنند و برخی دیگر هم به بیان اوصاف و ویژگی‌های این مصادیق می‌پردازند.

آیه هفتم از سوره بینه^۱ بصورت کلی، افراد با ایمان و عامل به عمل صالح را «خیر البریه» نامیده است اما در حدیثی از پیامبر خدا ﷺ آمده است که ایشان خود را از مصادیق عینی خیر البریه معرفی نموده و می‌فرماید: «انا أفضل من جبرئیل و میکائیل و اسرافیل و جمیع الملائكة المقربین، و انا خیر البریه و سید ولد آدم» (نور الثقلین، پیشین، ج ۳، ص ۱۹۰).

ابوبصیر، از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام روایت کرده است که ایشان درباره کلام خداوند عزوجل: «و ذلك دين القيمة» فرمود: آن همان دین حضرت قائم علیه السلام است (البرهان، پیشین، ج ۵، ص ۷۱۹).^۲

۱. «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَئِكَ هُمْ خَيْرُ الْبَرِيَّةِ».

۲. «شرف الدين النجفی: و روی علی بن أسباط، عن ابن أبي حمزة، عن أبي بصير، عن أبي عبد الله علیه السلام، فی قوله عز و جل: وَ ذَلِكَ دِينُ الْقِيَمَةِ، قال: هو ذلك دين القائم علیه السلام».

۲-۱- روایات جری و تطبیق به وسیله توسعه مفهوم

این روایات هم مانند روایات بیان مصداق، مفاهیم کلی آیه را بر مصادیق گوناگونی تطبیق می‌دهند اما نوع تطبیق در این روایات با روایات بیان مصادیق آیات، متفاوت است. روایات جری و تطبیق به وسیله توسعه مفهوم، مفاهیم ظاهری آیه را توسعه داده و بر مفاهیمی که خارج از فضای نزول و ظاهر آیه است تطبیق می‌دهند.

آیه ۸۹ سوره بقره: «فَلَمَّا جَاءَهُمْ مَا عَرَفُوا كَفَرُوا بِهِ» درباره قوم یهود نازل شده و محتوای آن بدین شرح است که آنها اوصاف پیامبر ﷺ را در کتاب‌های خودشان خوانده بودند و آن حضرت را می‌شناختند اما زمانی که رسول خدا ﷺ به سویشان آمد، به او کفر ورزیدند. در تفسیر عیاشی، ذیل این آیه، روایتی از امام محمد باقر علیه السلام نقل کرده که حضرت این آیه مربوط به کفر یهود به پیامبر ﷺ را، بر مسئله ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام و کفر بنی امیه به ایشان تطبیق نموده است (تفسیر العیاشی، پیشین، ج ۱، ص ۵۰).^۱

۲-۲- روایات تأویلی

معارف قرآن کریم را می‌توان به دو دسته کلی تقسیم نمود. دسته اول، معارفی هستند که فهم آنها با استفاده از ادبیات عرب میسر، و در روایات، از آنها به ظاهر قرآن تعبیر شده است. دسته دوم، معارفی هستند که دانستن آنها با استفاده از اصول و قواعد عربی میسر نیست و برای پی بردن به آنها باید به راسخون فی العلم مراجعه شود. به این دسته از معارف قرآنی، باطن قرآن گویند. دسته اول در حوزه تفسیر و دسته دوم در قلمرو تأویل قرآن قرار می‌گیرند. البته یکی از ویژگی‌های معانی باطنی قرآن، همسویی آن با معانی ظاهری است بدین معنی که معانی باطنی با ظاهر قرآن قابل جمع است و در طول هم قرار دارند نه در عرض هم. در تفسیر البرهان ذیل آیه «فِيهِ آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ مِّمَّا كَانَتْ فِي آيَاتِ الْكُفَرَانِ» در آن، نشانه‌هایی روشن است [از جمله] مقام ابراهیم است و هر که در آن درآید در امان است» (آل عمران، ۹۷) آمده است:

۱. «عن جابر قال سألت أبا جعفر ع عن هذه الآية عن قول الله «فلما جاءهم ما عرفوا كفروا به قال تفسيرها في الباطن فلما جاءهم ما عرفوا في علي كفروا به فقال الله [فيهم فلجنة الله على الكافرين في باطن القرآن قال أبو جعفر] فيه يعني بنى أمية هم الكافرون في باطن القرآن».

«عن أبي عبد الله عليه السلام في قول الله عزوجل: «وَمَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا». قال: «في قائمتنا أهل البيت، فمن بايعه، و دخل معه، و مسح على يده، و دخل في عقد أصحابه، كان آمناً» (البرهان، پیشین، ج ۱، ص ۶۵۶).

در این روایت «وَمَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا» به امام زمان (عج) تأویل شده است.

نتیجه گیری

بررسی گونه‌شناسی روایات تفسیری نمایانگر کاربرد این روایات در تفسیر آیات کریمه قرآن است. تحقیق و بررسی در این زمینه نشان داده که نوع تقسیم بندی این روایات، تأثیر بسزائی در آسانی و افزونی بهره گیری از آنها دارد. از این رو لازم است تحقیق در مورد روایات تفسیری در قالب تقسیمی صورت گیرد که از نظم و انسجام بیشتری برخوردار باشد. پژوهش حاضر، با بررسی تقسیمات مطرح، از مناسب‌ترین آنها بهره جسته است.

نتیجه تحلیل روایات تفسیری این شد که این روایات، رویکردهای متفاوتی دارند. دسته‌ای از آنها دارای رویکرد نقلی، دسته‌ای دارای رویکرد تفسیری و دسته دیگر دارای رویکرد تأویلی می‌باشند.

هر گروه از این روایات، انواع مختلفی را زیر مجموعه خود قرار داده است.

روایات دارای رویکرد نقلی به سه دسته روایات لغوی، روایات فضای نزول و روایات اخبار غیبی تقسیم شده‌اند. هریک از این سه دسته، خود، دارای انواع دیگری هستند.

دسته دوم روایاتی که رویکردی تفسیری و تحلیلی دارند و به دو دسته روایات تبیینی و تمثیلی تقسیم می‌شوند. روایات تبیینی شامل روایات تفسیر ظاهر، روایات مبین آیات مجمل، روایات مخصص آیات عام و روایات مقید آیات مطلق می‌شوند.

سومین دسته، روایات دارای رویکرد تأویلی است، که شامل روایات بیان مصداق، روایات جری و تطبیق و روایات تأویلی (بیان معنای باطنی) می‌شود.

تقسیمات دیگری که در این باب ارائه شده فاقد چنین نظم و انسجامی هستند.

منابع

- قرآن کریم.
- تفسیر القرآن العظیم، ابن کثیر، اسماعیل بن عمرو، تحقیق محمد حسین شمس‌الدین، بیروت، دارالکتب العلمیه، منشورات محمد علی بیضون، ۱۴۱۹ق، ج ۱.
- البرهان فی تفسیر القرآن، بحرانی، هاشم بن سلیمان، تهران، بنیاد بعثت، ۱۴۱۶ق، ج ۶.
- دانشنامه جهان اسلام، بنیاد دائرة المعارف اسلامی، تهران، ۱۳۷۵ش، جلد ۱.
- أحكام القرآن (الجصاص)، جصاص، احمد بن علی، تحقیق محمد صادق قمحاوی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۵ق، ج ۴.
- علوم قرآنی، حکیم، سید محمد باقر، تهران، تبیان، ۱۳۷۸.
- الإقتان فی علوم القرآن، سیوطی، جلال‌الدین، بیروت، دارالکتب العربی، ۱۴۲۵ق.
- المثنوی فی تفسیر المأثور، سیوطی، جلال‌الدین، الدر قم، کتابخانه آیة الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۶.
- نهج البلاغه، شریف‌الرضی، محمد بن حسین، ترجمه محمد دشتی، قم، انتشارات مشهور.
- مجمع البیان فی تفسیر القرآن، طبرسی، فضل بن حسن، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۶ق، ج ۱۰.
- جامع البیان فی تفسیر القرآن، طبری، محمد بن جریر، بیروت، دار المعرفه، ۱۴۱۲ق، ج ۳۰.
- تفسیر نور الثقلین، عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، قم، انتشارات اسماعیلیان، ۱۴۱۵ق، چاپ چهارم، ج ۵.
- تفسیر عیاشی، عیاشی، محمد بن مسعود، تحقیق سید هاشم رسولی محلاتی، تهران، المكتبة العلمیة الاسلامیة، ج ۱.
- تفسیر قمی، قمی، علی بن ابراهیم، قم، دارالکتاب، ۱۳۶۷ش، چاپ چهارم، ج ۲.

تحليل أصناف روايات المعصومين عليه السلام التفسيرية

السيدة زينب وحدثي شيري¹

تحوز الروايات التفسيرية عن المعصومين عليه السلام بالأهمية القصوى من جهتين:

١. جهة حجية الروايات التفسيرية.

٢. جهة أصناف الروايات التفسيرية.

ونرى عند مراجعة الكتب التفسيرية وتقييم الروايات الموجودة فيها أنه بالإمكان تقسيمها إلى عدة أصناف حسب اختلاف وظائفها.

وقد طرحت تقسيمات مختلفة حول أصناف الروايات التفسيرية من قبل العلماء والباحثين في علوم القرآن، و حاز من بين تلك التقسيمات على تأييد بعض الأساتذة والباحثين^٢ - نظراً لترتيبه المنسجم والمنتظم عبر تقسيم أصناف الروايات إلى عدة أقسام وتقسيم كل قسم إلى أقسام فرعية - هذا التقسيم الذي هو موضوع بحثنا، وهذا ما سبب تميزه عن غيره من البحوث.

تمت دراسة الروايات التفسيرية للمعصومين عليه السلام في هذا التقسيم من حيث المنحى الذي اتخذته من خلال ثلاثة أقسام: النقلية والتفسيرية والتأويلية، وكل قسم يضم مجموعة أقسام فرعية خاصة به. يقوم هذا المقال بتوضيح تفصيلي لكل قسم منها مع ذكر نماذج وتطبيقات لفهم الروايات بشكل أفضل و أدق.

الكلمات الرئيسية: الروايات التفسيرية، التفسير الروائي، التصنيف الروائي.

١. ماجستير علوم القرآن والحديث من جامعة القرآن والحديث.

٢. دراسة الروايات التفسيرية لسورة آل عمران في أهم التفاسير الشيعية والسنية المأثورة، علي صفري، (رسالة ماجستير، تم الدفاع عنها في جامعة تربيت مدرس، الأستاذ المشرف: الدكتور قاضي زاده)، ١٣٨٧ ش ١٤٢٨ هـ.